

# تربیت دینی، آسیب‌ها و راه‌های درمان

محمدجواد رودگر\*

چکیده

تربیت دینی، سامان‌دهی و شکوفاسازی سرمایه‌های باثقوه انسان در ساحت‌های علمی و عملی در پرتو آموزه‌های وحیانی و معارف اسلامی است که در فرآیندی کاملاً منطقی از طریق معلم و مربی به متعلم و متربی بر محور مبادی و منابع هماهنگ با «عقل و اراده» انسان ظهور می‌یابد. بنابراین عناصری چون فطرت، عقل و اراده، متون و منابع آموزشی و پرورشی، روش، و ... در تربیت دینی اصالت و اهمیت دارند و تربیت دینی در سه حوزه اعتقادی (معرفتی)، اخلاقی - سلوکی (معنوی) و احکامی (شریعتی) شکل می‌گیرد. در تربیت دینی چند حادثه مهم تحقق پیدا می‌کند:

الف. رشد و پرورش خرد

ب. نظام و توازن ویژه بین همه استعداد‌های وجودی انسان

ج. هدایت در جنبه‌های عقلانی، عاطفی، اجتماعی و جسمانی

---

\*. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

د. فرونی و توسعه و تعمیق باورهای دینی در فرد و تجلی آن در مناسبات رفتاری  
 ه. تدریجی بودن نظام تربیت دینی  
 و. قرار گرفتن انسان در مدار انسانیت و صیورورتش در محو شریعت محمدی (ص) با  
 هدف خداجویی و خداجویی یا خلیفه الهی شدن  
 در «تربیت دینی» اصل بینش، گره زدن ایمان با عنصر عقل و عشق و قرار دادن انسان  
 در مسیر جذبه الهی و حیات طیبه است تا روابط انسان با خدا، خود، جامعه و جهان  
 در پرتو رابطه با انسان کامل - که معلم و مربی حقیقی است - تنظیم شود ...  
 تربیت دینی ابعاد روح انسانی را در عقلانیت، معنویت، عبودیت و گرایش به زیبایی‌ها  
 شکوفا ساخته و به صورت متعادل و متوازن رشد می‌دهد.  
 در نوشته حاضر به بیست‌وهشت آسیب و آفت آموزشی و تربیتی همراه با چهارده  
 راهکار اشاره شده است تا عوامل و موانع تربیت دینی در حوزه آموزش و پرورش و  
 نظام آموزشی متوسطه و عالی شناخته شود.

واژگان کلیدی: تربیت، دین، تربیت دینی، عقل، ایمان، انسانیت، عبودیت و ...

### چیستی تربیت دینی

تصور مفردات و مفاهیم تربیت دینی نقش بسزایی در تصدیق آن دارد؛ چنان‌که اهل منطق  
 و معرفت گفته‌اند: «تصدیق بلا تصور محال است». بنابراین تا تصور و تصویری روشن از  
 تربیت و دین که از عناصر و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده تربیت دینی هستند نداشته باشیم،  
 نمی‌توانیم پیرامون تربیت دینی و آسیب‌ها و آفات نظری و عملی آن و راهکارهای درمان یا  
 آسیب‌درمانی که در این زمینه وجود دارد، بحث کنیم؛ به همین دلیل واژه‌های یاد شده را  
 بازشناسی و بازکاوی می‌کنیم. یکی از دانشمندان فن می‌گوید مفهوم تعلیم و تربیت باید دارای  
 چهار ویژگی اساسی باشد: ۱. مفهوم تعلیم و تربیت باید روشن باشد. ۲. مفهوم تعلیم و تربیت  
 با مفهوم کسب مهارت‌ها و معلومات معین متفاوت باشد. ۳. مفهوم تعلیم و تربیت باید قابل

اجرا باشد. ۴. مفهوم تعلیم و تربیت باید همه فعالیت‌های مربی و فرد یا شاگرد و معلم را هدایت کند...<sup>۱</sup>، و در موضعی دیگر می‌گوید: «تربیت فرآیند پیچیده‌ای است...»<sup>۲</sup>

## تربیت

تربیت مجموعه اعمالی است که یک فرد به عمد، به منظور اثرگذاری بر شناخت‌ها، اعتقادات، احساسات، عواطف و رفتارهای انسان یا انسان‌های دیگر، براساس برنامه‌ای سنجیده، انجام می‌دهد.<sup>۳</sup>

تربیت عبارت است از پرورش دادن؛ یعنی استعداد‌های درونی‌ایی را که بالقوه در یک شیء موجود است به فعلیت درآوردن و پروردن...<sup>۴</sup>

۹۳ پس تربیت از سنخ پرورش استعدادها و شکوفاسازی قوای وجودی انسان‌ها با توجه به سرشت و فطرت آنها و از جنس اثرگذاری بر ساخت‌های شناختی، بینشی و گرایشی است؛ همچنین رفتارها و اعمال انسان در یک برنامه‌ریزی آگاهانه و مکانیسم کاملاً مشخص است تا تربیت یعنی توسعه فکری، فزونی درونی و روحی و نیز بالندگی و پویایی وجودی انسان‌ها شکل گیرد و تجلی یابد و ...

## دین

مجموعه عقاید، اخلاق و اعمال به صورت به هم پیوسته و درهم تنیده است که جنبه‌های عقلی و روحی و جسمانی انسان را پوشش می‌دهد و به همه نیازهای عقلانی و معنوی پاسخگو است. به بیان دیگر، دین مجموعه گزاره‌های عقیدتی و آموزه‌های معنوی - تربیتی و احکام عملی - رفتاری است؛ یعنی دین، معرفت و معنویت و شریعت خاص است که با عقل، قلب و یا ابعاد عقلانی، نفسانی و جسمانی انسان هماهنگی دارد.

پرورش استعداد‌های گوناگون انسان براساس فطرت دینی و آموزه‌ها و گزارش‌های الهی-و حیاتی را تربیت دینی می‌گویند. به بیان دیگر، تربیت دینی عبارت است از مجموعه اعمال عمدی و هدفدار که به منظور آموزش گزاره‌های معتبر یک دین به افراد دیگر صورت می‌گیرد؛ به گونه‌ای که آنها در نظر و عمل به آن آموزه‌های دینی پایبند و به ارزش‌های آن التزام عملی داشته باشند. پس در تربیت دینی دو خصلت مد نظر است:

الف. تربیت بر محور آموزه‌ها و ارزش‌های دینی صورت گیرد.

ب. دین و بینش و گرایش و ارزش‌های آن با روش‌های معتبر و مؤثر و به صورت تدریجی به اندیشه و قلب القا شود. در تربیت اسلامی بایسته است که اعتقادات بر محور عقل و برهان روشن، اخلاقیات مبتنی بر آگاهی و رعایت نیازهای درونی و عواطف و احساسات باطنی، احکام بر محور عبادات و نیز معاملات طبق علت‌ها و حکمت‌ها و زمان و زمینه‌ها آموزش داده شود. بنابراین تربیت اعتقادی، اخلاقی و احکامی، مؤلفه‌های تربیت اسلامی هستند.

حال با توجه به بازشناخت و بازخوانی برخی از تعاریف پیرامون تربیت، دین و تربیت دینی باید هدف‌ها، انگیزه‌ها و روش‌های خویش را کاملاً روشن سازیم. باید بدانیم در تربیت دینی در جست‌وجوی چه امر یا اموری هستیم؟ به پرسش‌هایی مانند چه بودیم و چه باید باشیم پاسخ دهیم و به دانسته‌ها و داشته‌ها یا دانایی و دارایی خویش در طول تاریخ پیرامون تربیت دینی کاملاً توجه داشته باشیم و در آزمون‌های تاریخی و کارکردهای تاریخی، مقوله تربیت دینی را مورد شناخت و سنجش قرار دهیم. به بیان دیگر، به متن کتاب و سنت در خصوص تربیت دینی و سیره عملی پیامبر اعظم (ص) و ائمه هدایت و نور، (ع) در تعلیم و تربیت اسلامی توجه جدی کنیم و نقاط قوت و ضعف و میزان قرب و بعد آموزشی - تعلیمی و نیز پرورشی - تربیتی خود را در نظام آموزش متوسطه و عالی و سطوح پائین‌تر بیابیم و لایه‌های درونی و میانی هر کدام را با تجربه تاریخی پرفراز و نشیب خویش شناسایی کنیم. باید الگوهای کارآمد و چهره‌های موفق و نهادها و سازمان‌ها یا حتی اصناف و طبقات موفق و تأثیرگذار را شناسایی کنیم و بدانیم که توجه به کارکردها و تجربه تاریخی مثبت و منفی به ما در پیشبرد اهداف کمک شایانی می‌کند و اگر سیستم یا فرد و گروه آموزشی و تربیتی همواره

وضع موجود و مطلوب را با گذشته و حال و آینده به درستی ببیند و راهبردهای تأثیرگذار و واقعی یا رئالیستی را با آرمان‌ها و ایده‌آل‌ها مورد توجه قرار دهد و چشم به سرچشمه‌های معرفتی - رفتاری تاریخ اسلام و تاریخ آموزش و پرورش اسلامی داشته باشد و با چشمی به گذشته و حال و آینده گام‌های تربیتی را بردارد، قطعاً موفق‌تر خواهد بود؛ بنابراین در این زمینه مواردی را پیش از ورود به بحث اصلی مطرح می‌کنیم.

به راستی مقصود از تربیت دینی چیست و چرا تربیت با دینی بودن، دینی کردن، دینی شدن و دینی ماندن، توصیف و تحلیل می‌شود؟ ما به دنبال اتفاق چه چیزی در ساحت تربیت دینی هستیم؟ به بیان دیگر در تربیت دینی منتظر وقوع چه وقایع و حدوث چه حوادثی در تربیت پذیر هستیم که اگر آن اتفاقات رخ نمود، به ریشه‌یابی، آسیب‌شناسی و ترمیم موانع و اشکالات و مشکلات می‌پردازیم؟ بالاتر اینکه تربیت چیست؟ دین چیست؟ و در تربیت دینی چه چیزی با چه مختصات و مؤلفه‌های معرفتی و رفتاری است که سنجش‌های منطقی و متد محکمی برای ارزیابی و نقد آن باشد؟ تربیت از ریشه «ربو» گرفته شده و از باب «تفعیل» است که در این ریشه به معنای «زیادت و فزونی» است. بنابراین تربیت با توجه به ریشه آن به معنای فراهم‌سازی زمینه‌های فزونی و پرورش یا فعلیت و استعلای وجودی است. درحقیقت تربیت، توسعه بخشیدن به متربی است که حداقل دو عنصر محوری در آن مطرح است:

الف. شناخت استعداد‌های انسانی و تقویت و پروریدن و فزونی بخشیدن به آن است؛ نه تضعیف و کاستن آن.

ب. ایجاد نظامی ویژه میان استعداد‌های انسانی، به گونه‌ای که هرگز افراط و تفریط در آن صورت نگیرد و تعادل بر آن حاکم باشد؛ یعنی هر نیرو و استعدادی در جایگاه خویش قرار گیرد و بهره خود را ببرد. البته دوره‌های مختلف حیات انسان در شکوفا شدن استعدادها متفاوت است و در نظام بخشیدن و سامان‌دهی نیروهای وجودی متربی بایسته است که به این دوره‌ها توجه شود. شایسته است که در تربیت دینی چند مؤلفه منظور گردد:

۱. نسبت دین و انسان با عطف توجه به فطرت الاهی و دینی و گرایش‌های عالی وجود انسان.
۲. چگونگی آموزش و پرورش دینی قوای ادراکی و تحریکی و مناسبات فکری - رفتاری متربی.
۳. رابطه و پیوند معلم و متعلم و مربی و متربی در فرآیند حساس و پیچیده تربیت دینی.
۴. روش‌های ابلاغ حوزه‌های دینی به عقل و القای معارف دینی و ارزش‌های آن به دل انسان.

۵. اصل تدریج در نظام آموزشی و تربیتی براساس مقتضیات ذهنی، روحی، زمان، زمینه‌ها و... با توجه به مطالب پیشگفته، تربیت دینی نسبت به مقوله تربیت، به طور مطلق از حساسیت، ضرورت و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا اگر تربیت در موقعیت خویش حساس است، در حوزه تربیت دینی حساسیت بیشتری پیدا می‌کند؛ چنان‌که استکمال و استعلای دینی و فزونی و پرورش دینی انسان‌ها، راز و رمزهایی در ساحت علمی و عملی دارد که امر تربیت را دشوارتر می‌کند.

ممکن است تصور شود که اگر دین امری فطری است - که هست - در نتیجه تربیت دینی نباید دشوار باشد؛ اما باید توجه داشت که مقوله آموزش دین و پرورش روح و روحیه دینی با وجود زمینه‌های فطری و امکان عقلی و وقوعی آن، وقتی با نیازهای پیچیده و متنوع انسان، آزادی تفکر و اندیشه و موانع بیرونی و عرضی تربیت دینی سنجیده شود و انسان و دین با همه ابعاد و وجوهشان مورد عنایت واقع شود، مقوله تربیت دینی را پراهمیت و چالش‌برانگیز می‌کند؛ بویژه اینکه فطرت دینی مجهول و مغفول است و جذبه‌ها و جلوه‌های دنیا و سرگرمی‌های روزانه، انسان را با خود الاهی و فطری‌اش بیگانه و نامحرم می‌سازد و آشنای درون انسان به ناآشنای بیرونی تبدیل می‌شود. در تربیت دینی ابتدا باید خود انسان به انسان شناسانده و حقیقت وجود آدمی به او معرفی شود؛ به همین دلیل نبوت‌ها و رسالت‌ها با روش بازگشت دادن انسان‌ها به خویشتن خویش و وصل به اصل و یاد سپاری پیمان‌های فطری شروع شده‌اند چنان‌که قرآن می‌فرماید:

فَرَجَعُوا إِلَىٰ أَنفُسِهِمْ<sup>۵</sup> لِيَسْتَأْذِنَهُمْ مِيثَاقَ فِطْرَتِهِ<sup>۶</sup>

آن‌گاه آنها یا خود فکر کرده و گفتند ... و معصوم (ع) می‌فرماید:

تا انسان با خویشتن خویش آشتی کند و سرمایه‌های وجودی خویش را بشناسد و شناختن خود حقیقی‌اش را با شکفتن خود حقیقی توأم سازد. به همین دلیل انبیا درصدد خودآگاهی بخشیدن به انسان‌ها برانگیخته شدند تا از این رهگذر، پیوند انسان با خدا و رابطه معنایی آدمیان با مبدأ هستی و آفریدگارش را برقرار سازند و مگر دین غیر از این است که انسان را از خاک به افلاک و از خود به خدا در یک صیورورت نایل گرداند و فاصله‌های عبد و معبود را بردارد و مگر تربیت دینی غیر از رسیدن انسان به انسانیت واقعی و حرکت در صراط

فطرت است؛ حرکتی که در جهت صراط مستقیم شریعت الاهی است تا همه استعدادهای انسان به فعلیت برسد.

## ویژگی‌های نظام تربیت دینی در اسلام

تربیت دینی از ویژگی‌های بهره‌ور است که درحقیقت، بن‌مایه‌ها و زیرساخت‌های آن را تشکیل می‌دهد تا رسالت و غایت تربیتی کاملاً معلوم باشد که عبارت است از:

الف. الهی بودن

ب. موحد تربیت کردن

ج. متعادل پرورش دادن

د. مسئولیت‌پذیر و تعمدزایی

هـ. عقلانی شدن

و. پویا و بالنده گشتن

ز. هدایتی بودن که خود در جنبه‌های چهارگانه هدایت عقلی - فکری، اجتماعی - عاطفی و جسمانی ظهور می‌یابد تا همه ساحت‌های وجود انسان و حیات بشری را دربرگیرد؛ بنابراین در تربیت دینی، انسان الاهی - توحیدی، انسان عاقل و متعادل، انسان متعهد و مسئول و انسان بالنده و پویا و هدایت یافته تربیت می‌شود. به تعبیر استاد مطهری در تربیت دینی و پرورش روح الاهی و اخلاقی، «پایه اول تربیت، تعلیم است»<sup>۷</sup>؛ زیرا اصالت در اسلام، عقلانیت و معرفت عقلانی است<sup>۸</sup> و در فراز دیگری می‌فرماید: «مردم در جهالت از هیچ چیز استفاده کامل نمی‌کنند، حتی از دین، منشأ بسیاری از بی‌دینی‌ها، بی‌علمی و آشنا نبودن به تعلیمات الاهی است...»<sup>۹</sup>.

آری در تربیت دینی، اصل هدایت که تعیین کمال مناسب برای هر چیز و تأمین نیازها و ابزارهای لازم برای رسیدن به آن کمال است و به صورت نشان دادن راه به عموم و نیز رساندن برخی از مستعدان به مقصود و مطلوب یا ایصال به مطلوب است تجلی و واقعیت می‌یابد. هدایت در درجه اول در حوزه عقل و عقلانیت که قوام انسان به آن است و ستون دین و اساس معرفت دینی به شمار می‌آید، صورت می‌پذیرد؛ زیرا عقل راهنمای مؤمن و وسیله

تشخیص خیر از شر است. ایمان دینی با عقل دینی و معرفت عقلانی، ارتباطی تنگاتنگ دارد؛ چنان‌که یکی از کارشناسان زبده تعلیم و تربیت اسلامی می‌گوید:

«تکیه بر عقل و تأیید وجهه عقلانی از ویژگی‌های تربیت اسلامی است و اسلام مکتبی است که بر مبانی عقلانی تکیه دارد.»<sup>۱۱</sup>

و در جایی دیگر می‌نویسد:

«بعد عقلانی شامل ادراک حسی، تشکیل مفهوم، فهم نظریات مختلف، مقایسه و پیش‌بینی و ارزیابی امور، نیروی تخیل، قدرت ابتکار و نوآوری، شیوه اساسی برخورد با امور مختلف در زندگی، نگرش اساسی در زمینه‌های مختلف، برخورداری از فکر منطقی و مانند اینها است...»<sup>۱۲</sup>

شگفت‌انگیز است که در تربیت اسلامی، اصل بر بصیرت دینی قرار گرفته است؛ چنان‌که پیامبر اکرم (ص) در آموزش و تبلیغ دین و پرورش و تربیت دینی بر عنصر بصیرت تکیه و تأکید کردند و در قرآن آمده است:

أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعْتَنِي<sup>۱۳</sup>

بنابراین فرآیند تعلیم و تعلم و تربیت باید به تحصیل بینش و بصیرت دینی بینجامد و سبب رشد عقل دینی انسان شود و اگر در نظام آموزش و پرورش، عقل متعلم و متربی هدف قرار نگیرد و فعلیت و استعلا نیابد، امکان تربیت دینی و استمرار و تداوم دین و دینداری کاملاً مخدوش و شاید محال باشد. به همین دلیل آنچه مهم است، ارائه بینش عمیق و منطقی فهم دینی کارآمد و القای عقلانی و معرفی ارزش‌هاست تا ایمان با عنصر عقل و عشق و خرد و معنویت گره خورد و استحکام و قوام یابد و در برابر تهاجم شبهات، پرسش‌ها، وسوسه و شهوات تسلیم نگردد؛ یعنی در تربیت دینی اگر عنصر عقل رشد یابد و در جهت بصیرت و معرفت و محتوای درونی ایمان و گرایش‌های عالی قرار گیرد مصونیت درونی ایجاد می‌گردد؛ چنان‌که تعبیری چون «أَفَلَا تَعْقِلُونَ»،<sup>۱۴</sup> «إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ»<sup>۱۵</sup> و... آشکارکننده این نکته است که نیروی تعقل در اختیار انسان قرار گرفته تا واقعیت‌ها درک و شناخته شوند<sup>۱۵</sup>. به تعبیر یکی دیگر از دانشمندان حوزه تعلیم و تربیت که صاحب آگاهی و تجربه فراوانی در این زمینه است، تربیت هدایت فرد است... و به طور اساسی جنبه هدایتی دارد. هدایت کردن به معنای تحمیل عقیده، دعوت افراد به اطاعت از خود، اندرزهای نامفهوم و بی‌محتوا و دعوت افراد به پذیرش آنچه دیگران مطرح می‌کنند، نیست. هدایت کردن، تشویق فرد به تفکر است و کمک به



وی در بهتر درک کردن موقعیت و ترغیب او به بررسی و ارزیابی آنچه می‌خواهد انجام دهد و در مرحله نهایی، کمک به فرد است که عاقلانه عمل کند و شخصا تصمیم بگیرد...<sup>۱۶</sup>؛ به همین دلیل از دیدگاه استاد مطهری، یکی از عوامل تربیت و ترقی اخلاقی، توسعه فکر است. بر این مبنا اسلام و پیامبر اعظم (ص) و اهل بیت (ع) در سیستم و سیره تربیتی خویش بر ارائه معرفت و بصیرت دینی، پرورش استعداد های عقلانی و دعوت به اندیشه و تفکر اهتمام ویژه ای داشتند تا فکر انسان فزاینده و توسعه یافته شود و غنی‌سازی شخصیت عقلانی انسان، عامل مهمی در جهت کمال علمی و عملی گردد. استاد مطهری می‌فرماید:

«روح دین عبارت است از روشن شدن ضمیر و باطن به نور ایمان و عرفان...»

حال باید توجه داشت که یکی از آسیب‌های درونی و جدی نظام و سیستم آموزش و پرورش ما، ضعف در تربیت عقلانی و ارائه بینش دینی و بصیرت اسلامی است و فرآیند آموزشی، بر القای معلومات و محفوظات ذهنی بیش از معقولات و معارف دینی تکیه دارد. تعبد بر تعقل رجحان دارد و هدایت عقلی و رشد فکری کمتر مورد توجه است که این آسیب هم به متون آموزشی، هم به سیستم و روش آموزشی و هم به معلم و متعلم برمی‌گردد و چنان‌که بایسته است، براساس قدرت ذهنی و خلاقیت و پرورش روحیه و اندیشیدن و معرفت‌یابی سرمایه‌گذاری نشده و شجاعت فکر کردن، پرسیدن و تحقیق و پژوهش داده نشده است. البته فکر کردن ریاضت می‌طلبد و پرسش‌گری جرأت و آگاهی لازم می‌خواهد تا دانسته شود چگونه، کجا و با چه روشی باید پرسیده شود و اینکه به پاسخ‌های عمیق و راهبردی نیاز دارد و ... به راستی کتاب‌ها، مقالات، فیلم‌ها، رمان‌ها و حتی پژوهش‌های ما تا چه اندازه دارای روح علمی و روحیه عقلانی هستند؟ آیا در پروراندن شخصیت دینی و توسعه روحیه معنوی و اخلاقی و تعمیق باورهای اسلامی و ایمان دینی از همه امکانات بالقوه و بالفعل انسانی و ابزاری استفاده شده است؟ آیا معلمان و متریان، قبل از متعلمان و متریان، آموزش‌های لازم و فرصت‌های ممکن را در تفکر و اندیشه‌ورزی دارند؟ آیا در این زمینه با موانعی چون تعدد شغلی، عافیت‌طلبی، مسئولیت‌گریزی، عدم آموزش‌های ضروری و کارآمد، برخورد ابزاری با تعلیم و تربیت برای معیشت و ... مواجه نیستیم؟ آیا رفتارهای نامعقول، تضادهای ذهنی و عینی، تناقض در قول و فعل متصدیان امر تربیت دینی با مخاطبان و تربیت‌پذیران، مانع جدی تربیت دینی و توسعه بعد معنوی و ارزشی نیست؟ آیا دچار سوء فهم

در هدف‌های تربیتی در ساحت دینی نشده‌ایم؟ آیا از تفکر و تجربه، دانش و بینش و تعقل و تعبد به صورت توأمان در تربیت دینی و هدایت عقلانی - دینی فرد استفاده می‌کنیم؟ علاوه بر این، تا چه اندازه از تکنولوژی آموزش نوین و روش‌های نوآمد تربیت دینی سود جسته‌ایم؟ تا چه اندازه بر قدرت فهم و قریحه ادراک و ذهن سرشار و استعداد‌های مخاطبان خود تکیه کرده و در جهت استقلال معرفتی - معنوی آنها گام برداشته‌ایم؟ آیا عوامل و موانع عقلانیت دینی و بصیرت اسلامی را شناخته و در عمل، به آنها توجه کرده‌ایم؟ ... این پرسش‌ها و پرسش‌های دیگر، همه و همه پارادایم‌هایی را در افق‌گشایی نوین در حوزه تربیت دینی ایجاد می‌کند و بازگشت به فرهنگ و آموزه‌های ناب اسلامی و فهم و اجرای سنت و سیره معصومین (ع)، بهترین و محکم‌ترین منبع برای تربیت دینی با ویژگی‌های جامعیت، عقلانیت، تعادل و ... است. شهید مطهری می‌گوید:

«هدف معلم باید بالاتر باشد و آن این است که نیروی فکری متعلم را پرورش و استقلال دهد و قوه ابتکار او را زنده کند؛ یعنی کار معلم در واقع آتشگیره دادن است. فرق است میان تئوری که شما بخواهید آتش از بیرون بیاورید و در آن بریزید تا این تئور را داغ کنید و تئوری که در آن هیزم و چوب جمع است و شما آتشگیره از خارج می‌آورید، آنقدر زیر این چوب‌ها و هیزم‌ها آتش می‌دهید تا خود این‌ها کم مشتعل بشود و تئور با هیزم خودش مشتعل گردد...»<sup>۱۷</sup>

پس هدایت عقل و قدرت تفکر و اجتهاد بخشیدن و پرورش نیروهای بالقوه ذهنی در انسان و تربیت دینی، بر عقلانیت دینی نهاده شده و از اصول پایدار تعلیم و تربیت اسلامی و از ویژگی‌های ذاتی تربیت اسلامی است که با غفلت بیشتری روبه‌رو واقع شده و در نظام آموزشی مقاطع متوسطه و آموزش عالی و حتی قبل از آنها یعنی مقطع راهنمایی و ابتدایی مجهول و مغفول و مهجور گشته است و ...

### پرورش روح در تربیت دینی

استعدادهای انسان دو نوع است: استعداد‌های جسمانی که از این نظر با جانداران دیگر شریک است و استعداد‌های مربوط به روح که بحث اصلی تربیت دینی باید معطوف به این جهت باشد. اصالت وجودی انسان و مقامات ارزشی او مانند: خلافت الاهی، تسخیر ملک و

ملکوت، امانتداری، علم، تقوا و کرامت و ... به روح برمی‌گردد که حقیقتی مجرد و علوی است؛ بنابراین در تربیت دینی با هدف پرورش روح چند نکته قابل تأمل است:

۱. آگاهی‌بخشی و معرفت‌آموزی به انسان که آغاز او «نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي»<sup>۱۸</sup> و انجام آن «كَذْحًا فَمَلَأْتِيهِ»<sup>۱۹</sup> است تا سالک کوی علم و تربیت از مقام «يقظه» یا بیداری و بینایی عقل و دل برخوردار شود؛ چنان‌که تعبیر «من روحی» نه «فیه روحی»، حکایت از حقیقت برتر و منسوب به حضرت حق داشته که صاحب «روح خدا» است<sup>۲۰</sup> و خودآگاهی انسان از يقظه، عزیمت‌های فزون‌یابی و نوشوندگی و توسعه‌یابی او است که «ی» در «روحی»، نسبت وجودی و حقیقی انسان یا خدا را افاده می‌کند تا انسان در تربیت دینی به پیوند خود با خدا به صورت معقول و مشروع با جهاد مستمر فکری - معنوی، حجاب‌های ظلمانی و نورانی را در «قوس صعود» و سیر تکاملی‌اش بردارد و قرب و لقای رب را به دست آورد. بنابراین معلم و مربی در تربیت دینی باید متعلم و متربی‌اش را به چنین مقام معرفتی و خودشناسی حصولی و حضوری برساند تا مقامات معنوی و فتوحات غیبی و در نهایت نیل به مقام ولایت الهی شامل حال او شود؛ استاد شهید مطهری می‌فرماید:

«روح دارای چهار بعد یا چهار استعداد است: ۱. بعد عقلی که همان استعداد علمی و حقیقت‌جویی است. ۲. بعد اخلاقی که انسان در سرشت و فطرتش، اخلاقی خلق شده؛ یعنی طوری خلق شده که به دیگران احسان کند و از انجام کار بد پرهیزان شود. ۳. بعد دینی که همان حس پرستش یک حقیقت مافوق و منزله است و انسان می‌خواهد که در مقابل او خضوع و او را تقدیس کند. ۴. بعد هنری یا زیبایی که انسان، زیبایی را از آن جهت که زیبایی است دوست دارد و ...»<sup>۲۱</sup>

تربیت دینی باید در جهت شکوفایی و پرورش ابعاد چهارگانه و استعدادهای یاد شده باشد تا به صورت هماهنگ و متوازن، بعد عقلانی، اخلاقی، دینی و هنری انسان به فعلیت برسد و مگر «تربیت» غیر از این است؟ استاد مطهری در تبیین معنای تربیت آورده‌اند:

«تربیت عبارت است از پرورش دادن؛ یعنی استعدادهای درونی‌ایی را که بالقوه در یک شیء موجود است، به فعلیت درآوردن و پروردن ... از همین جا معلوم می‌شود که تربیت باید تابع و پیرو فطرت، یعنی تابع و پیرو طبیعت و سرشت شیء باشد...»<sup>۲۲</sup>

۲. پرورش روح پرستش و رساندن انسان به مقام عبودیت، که این معنا نیز فرع بر آموزش معارف عقیدتی و توحیدی و طرح و تلقین خداشناسی و خداگرایی و خداپاوری از یک طرف

و خداجویی و خداپویی و خداپرستی از طرف دیگر خواهد بود و انسان در تربیت دینی باید عبد و تسلیم خدا شود. عبادت و عبودیت نیز باید به تدریج و با ترمش بر روح انسان القا شود؛ یعنی حالات روحی و خصوصیات باطنی انسان در پرورش روح بندگی و عبادی منظور شود تا چیزی بر او تحمیل نگردد؛ زیرا مقوله «ایمان» و «بندگی»، مقوله‌ای درونی و قلبی است و اجباربردار نیست؛ بنابراین ظرافت خاص و لطافت ویژه‌ای را در روش‌های تربیت دینی می‌طلبد و باید دانست که تحصیل علم و دانش، نیل به مقام تفکر و تدبیر، پرستش و نیایش و... همه از جنس عبادت به شمار می‌رود؛ در نتیجه تعلیم و تعلم، عقل و تعبد لازم و ملزوم هم و مکمل همدیگرند و در پرورش روح معنوی و عبادت‌گرایانه نباید از همگرایی فکر، ذکر، علم، عبادت، عقل و عشق غافل بود؛ زیرا در آموزه‌های اسلامی، تفکر برترین عبادت است<sup>۲۳</sup> و تعلیم از غایات رسالت نبوی<sup>۲۴</sup> و تزکیه نفس و پرورش روح به همراه پیرایش و آرایش و اکتساب فضایل و اجتناب از رذایل، از اهداف بعثت و رسالت شمرده شده است<sup>۲۵</sup>. پس در پرورش قوه معنوی، استعداد پرشش‌گری انسان نیز که همانا بعد دینی و عبادی است، رهایی از جهالت، غفلت و نسیان از حیث نظری و عملی آن و رسیدن به آزادی عقلی و روحی و سیر از خود به سوی خدا نیز از جهت علمی و عینی مطلوب تربیت دینی است. بنابراین عقل، علم و عبادت در ظرف روح و بستر جان متعلم و متربی از جمع‌پذیری و همگرایی خاصی برخوردارند و عنایت فوق‌العاده اسلام به تعلیم و تعلم، تفکر و تعقل و تزکیه و تربیت روح ناشی از همین وحدت متعالی عناصر ذهنی و ذاتی انسان است.<sup>۲۶</sup>

توجه به این نکته مهم است که روح عبادت در تربیت دینی، یاد خدا بودن، از حالت غفلت خارج شدن، دوری از افراط و تفریط و به همه فعالیت‌های فردی، خانوادگی، اجتماعی، علمی و عملی رنگ و رایحه خدایی بخشیدن و هویت عبادی دادن است. به همین دلیل با آنکه در تربیت دینی شکل عبادت مهم است، اما روح عبادت مهم‌تر و دارای اصالت است؛ زیرا بسیاری از برنامه‌های تربیتی در شکل عبادت ظهور یافته و هدف‌ها و انگیزه‌ها و آثار عبادت نیز در روح عبادت تجلی می‌یابد؛ به همین دلیل قالب و شکل عبادت دارای اهمیت و روح و جوهر عبادت دارای اصالت است. در تربیت دینی نباید شکل عبادت فدای روح عبادت و روح عبادت فدای شکل آن شود؛ بلکه اهمیت و اصالت هر کدام با منطقی محکم و آگاهی و گواهی دادن مبرهن و عالمانه تعلیم داده شود. البته مراتب عبادت و انگیزه‌های مربوط به آنکه با هم

به معرفت انسان به معبود برمی‌گردد، نباید مورد غفلت واقع شود؛ یعنی رغبت به بهشت، رهبت از جهنم و عشق به پرستیدن معبود. در مجامع حدیثی و آموزه‌های اسلامی، عبادت از سر شوق به بهشت را عبادت تاجرانه و عبادت از سر ترس از جهنم عبادت بردگانه و عبادت با انگیزه عشق و حس ستایش و پرستش معبود را عبادت آزادگان نام نهاده‌اند.<sup>۲۷</sup> اگر در تربیت دینی با ایجاد باور به معبود و محبت به محبوب و القای معرفت به خدا، روح میل به نیایش و مناجات با حضرت حق و همه چیز را برای او خواستن و انقطاع و کمال انقطاع یافتن به او تلقین گردد؛ کمال‌گرایی انسان و قرب وجودی سالک به خدا از روح جاودانه ویژه‌ای برخوردار خواهد شد. پرورش چنین روح و روحیه‌ای، انسان متعلم و متربی را با ویژگی‌هایی مانند: کرامت وجودی، عزت نفس، بزرگی و بزرگواری، روحیه جهاد، هجرت و شهادت، عدالت‌خواهی و عدالت‌گستری، آزادی‌طلبی و حریت‌جویی، ظلم‌ستیزی و استکبارستیزی، خدمت به خلق و شفقت بر مردم و ... آراسته خواهد کرد. در تربیت دینی، انسان از انزوای طلبی، عزلت‌گرایی و خلق‌گریزی و خلوت‌گزینی محض و تن به ذلت و ظلم دادن رها خواهد شد تا فقط بنده خدا باشد و از بندگی غیرخدا به هر شکل ممکن فاصله گیرد و عالم و آدم را تحت ولایت و حکومت الهی ببیند ... حال آیا در نظام تربیتی و سیستم آموزشی و مراحل آموزش و پرورش و آموزش عالی، چنین خصوصیات و مؤلفه‌هایی با روش و مکانیسم منطقی، دنبال می‌شود و از جمله راهبردهای تعلیم و تربیت خواهد بود؟ به نظر می‌رسد در زمینه پرورش روح عبادت و بندگی و تحصیل عزت و کرامت نفس، با مشکلات و اشکالات نظری و عملی فراوانی مواجه هستیم و دارای نظام‌نامه و مرام‌نامه واحد و مدیریت کلی و کلان پایدار و نهادینه شده‌ای از یک‌سو و هماهنگی و یکنواختی و وحدت رویه و روحیه در بدنه سیستم آموزشی و پرورشی از سوی دیگر نیستیم که خود از آفات مهمی است و ...

### ۳. تعادل ذهنی و روحی

از جمله هدف‌های تربیت دینی، ایجاد عدالت فکری، اخلاقی و رفتاری یا تعادل در همه فعالیت‌های جسمانی، روحانی، ال‌نذادی و تدبیری است و عقل و اراده که از عناصر محوری انسانیت انسان هستند، در این زمینه نقش بنیادین دارند و بایسته است که در تربیت دینی، عقل به کمال مناسب خود و اراده در مرتبه وجودی خویش واصل گردد و چنان‌که اسلام ناب

محمدی (ص)، روش‌ها. سیره عملی پیامبر اعظم (ص) و امامان معصوم (ع) نشان داده‌اند، شیوه‌ها و اهداف تربیتی را سامان‌دهی و مدیریت کنیم تا انسان تربیت‌یافته در پرتو معارف، تعالیم اسلامی، نهادها و شخصیت‌های علمی - معنوی، حقوق خدا، خود و جامعه را توأمان ببیند و طهارت ظاهری و باطنی، اجتهاد و جهاد، تعدیل قوای نفسانی و تزکیه درونی توأم با مراقبه و محاسبه نفس و معنویات و اجتماعیات را با هم ملاحظه کند و یک اصل و غایت تربیتی باشد؛ همچنین نظام‌ها، روش‌ها و هدف‌های تربیتی در تربیت دینی به گونه‌ای باشد که در عبادت و زهد، مردم‌گرایی و خدمت به خلق، عشق و مهرورزی و عقل و خردگرایی، دچار افراط و تفریط نشویم؛ بلکه درک و درد خدا و خلق خدا و درون‌گرایی و برون‌گرایی، با هم و در طول هم دیده شود. استاد مطهری می‌گوید:

«کمال انسان وقتی است که همه استعدادهایش را به طور متعادل و متوازن و در حد اعلا رشد دهد؛ نه اینکه فقط به سوی برخی از آنها گرایش پیدا کند و برخی دیگر را مهمل و معطل بگذارد. رشد استعدادهای روحی انسان مانند رشد اندام یک کودک است؛ به این معنا که رشد هماهنگ و کامل وقتی است که همه قسمت‌ها با هم رشد کنند ... یک انسان رشدیافته و کامل، انسانی است که همه ارزش‌های انسانی، به طور هماهنگ و در حد اعلا در او رشد کند...»<sup>۲۸</sup>

### برخی آسیب‌های آموزشی در تربیت دینی

اگرچه در مباحث گذشته به صورت مستقیم و غیرمستقیم و با زبان عبارت و اشارت برخی از آسیب‌های نظری و عملی نظام آموزش و پرورش در تربیت دینی را مطرح و حتی نقد پوششی کرده‌ایم، ولیکن در این بخش به صورت فهرست‌وار و تقسیم‌بندی شده، گوشه‌هایی از آسیب‌ها و راه‌کارهای برون‌رفت از آن را برمی‌شماریم.

### آسیب‌شناسی آموزشی در تربیت دینی

۱. عدم تعیین و هماهنگ‌سازی نظام، اهداف و روش‌های آموزشی در تربیت دینی به صورت جامع و کارآمد.

۲. تکیه بر محفوظات در درجه اول و معلومات در درجه دوم نسبت به آموزه‌ها و گزاره‌ها و احکام دینی در سیستم آموزش.

۳. وجود برخی تناقضات بین ایده‌آل‌ها و آرمان‌های دینی با واقعیت‌ها در آموزش و تربیت دینی.

۴. تعارضات پنهان و گاه آشکار بین متون مستقیم آموزش و تربیت دینی با متون درسی دیگر.

۵. ناهماهنگی در هدایت فرد از نظر جنبه‌های عقلانی، اجتماعی، عاطفی، جسمانی، اخلاقی و معنوی.

۶. عدم پرورش قدرت تعقل و اجتهاد فکری و استقلال شخصیت علمی در نظام آموزشی و تربیتی.

۷. عدم آشناسازی با زبان و مفاهیم قرآنی و حدیثی - که متن معارف دینی و اساس تربیت دینی هستند - در سه حوزه اعتقادات، اخلاقیات و احکام به صورت تدریجی و با مکانیسم و روش‌های کارآمد و متناسب با ظرفیت و قابلیت‌های متعلمان و متریان.

۸. وجود تعارض قولی و فعلی و گزارش‌ها و روش‌های معلمان و مربیان با شاگردان و مخاطبان خویش که سهم بسزایی در خدشه‌دار کردن ساحت تربیت دینی دارد.

۹. اگر اهداف تعیین شوند، عمدتاً با توجه به معنای رشد، رفتار افراد، ارزش‌های معنوی و اخلاقی، سازگاری با هم، قابلیت اجرا، جامعیت، قابلیت تغییر و انعطاف‌پذیری و... دچار ضعف و کاستی‌هایی است؛ یعنی به صورت کامل و همگرا دیده نمی‌شود و عرصه را برای تربیت دینی از حیث آموزش با مشکل روبه‌رو می‌کند.

۱۰. در آموزش‌های دینی با مقوله پژوهش، ابداع، خلاقیت، استفاده از علوم و فنون، تجربیات مفید و رسانه‌های نوآمد کمتر مواجه می‌شویم و بهره‌برداری می‌کنیم.

۱۱. از فعالیت‌های جمعی و روحیه همکاری در عرصه آموزش دینی کمتر استفاده برده و آن را در ذهن، زبان و عمل مخاطبان خویش القا می‌کنیم.

۱۲. با مخاطبان با توجه به میزان استعداد فراگیری آموزه‌ها و یادگیری معارف دینی و قدرت عمل ارزش‌های اسلامی برخورد نکرده و ارتباط برقرار نمی‌کنیم یا بسیار کم چنین اتفاقی می‌افتد.

۱۳. کمتر در مقوله یادگیری که رشد عقلانی در سایه آن صورت می‌گیرد به آمادگی، تجربه قبلی، موقعیت یادگیری، فعالیت یادگیرنده، عوامل محرک نیروها و انگیزه و انگیزاننده‌ها در فرایند تعلیم و تعلم دینی، توجه می‌کنیم و حتی در کاربرد و انتقال آموخته شده‌ها در حوزه فرد و جامعه همت چندانی نداریم و به چگونگی برخورد افراد و مخاطبان یا شاگردان با واقعیت‌های تلخ و شیرین زندگی با تکیه بر آموزه‌های دینی چه در بعد بینش‌ها و چه در بعد گرایش‌ها و رفتارها نیز دقت لازم و اهتمام جدی نمی‌شود.

۱۴. عدم ایجاد تعادل در پرورش استعدادها و وجودی انسان و حتی افراط و تفریط در گویش، روش و کنش‌ها و واکنش‌های خویش در عمل و آنها را به پای دین و دینداری گذاشتن، که به طور مستقیم در تزلزل عقیدتی و تذبذب معنوی و اخلاقی و التزام به احکام و شریعت اسلامی تأثیرگذار است و ...

۱۵. فراموش کردن رسالت تربیتی مراکز آموزشی در همه حوزه‌ها بویژه حوزه دین و دینداری و حتی سطحی‌نگری به چنین رسالتی و ... و بدانیم که شیوه‌های آموزشی، تأثیر تربیتی قهری و مستقیم خواهند گذاشت که بسیار تدریجی و ناپیداست و در شخصیت‌سازی مخاطبان بسیار تأثیرگذار است؛ بنابراین بایسته و عقلانی است که به بعد تربیتی و آثار و لوازم آن توجه ویژه مبذول گردد.

۱۶. عدم سازگاری شیوه‌های آموزش دینی، اصول و راهبردها، روش‌های روان‌شناسی اسلامی، جامعه‌شناسی دینی و تعلیم و تربیت قرآنی - ولایی (البته به طور نسبی نه مطلق)

۱۷. آموزش دینی باید هم جنبه توصیفی و هم دستوری داشته باشد؛ زیرا آموزش، فعالیتی است که معلم و شاگرد با هم در کلاس درس و طی تعاملات ذهنی، زبانی و رفتاری از خود نشان می‌دهند؛ بنابراین آموزش انتزاعی و نظری محض، دور از واقعیات عقلی، روحی و عاطفی معلم و شاگرد نیست؛ زیرا تفکیک آنچه باید یاد بگیرد و آنچه یاد می‌گیرد، در واقعیت و عینیت تعلیم و تعلم بسیار دشوار و شاید ناممکن است. به همین سبب منطقی است که در فرآیند یادگیری و آموزش و یاددهی، عناوین توصیفی و دستوری ملحوظ گردند که بی‌توجهی به آنها خود آسیبی آموزشی است و نظام آموزشی دینی را در عقاید، اخلاق و احکام دچار اختلال خواهد کرد.



۱۸. عدم توجه به شیوه‌های مستقیم و غیرمستقیم در آموزش اصول و فروع دین و عدم استفاده از روش‌های متنوع و متکثر با توجه به زمان، مکان، نیازها، زمینه‌ها، جغرافیای ذهنی، و خانوادگی و محیط اجتماعی و ...

۱۹. عدم برقراری رابطه عاطفی و روحی قبل از ارتباط علمی و تعلیمی به طور نسبی؛ زیرا از نظر روان‌شناسی تربیت، برقراری ارتباط قلبی، عاطفی، تعامل روحی، ایجاد فضای صمیمی و مقبولیت، مقدم بر آموزش عقاید، اخلاق و احکام دینی است که متأسفانه در نظام آموزشی و فرآیند تعامل معلم و شاگرد، کمتر مورد عنایت واقع می‌شود.

۲۰. ارائه متون سخت فهم، دارای مفاهیم پیچیده، عبارات گزنده و ناهمخوان با قدرت فهم و استعداد درک مخاطب و برهان‌های مبهم و ... در تربیت دینی و آموزش‌های اسلامی.

۲۱. عدم زمینه‌سازی جهت مشارکت مخاطبان آموزشی در سطوح مختلف نسبت به معارف و آموزه‌های دینی در ابعاد علمی، معنوی، فقهی و ... به طور نسبی.

۲۲. توجه بسیار کم به بالا بردن روحیه علمی، روح پرسش‌گری هدفدار و مدیریت پویا و توانمند علمی در برابر طرح سؤال‌ها، شبهات و تشکیک‌های دینی تا مخاطب از فرصت لازم برای بیان درونیات و اعتقادات خویش و سپس اصلاح و بازسازی اندیشه و گرایش‌های دینی برخوردار شود.

۲۳. عدم حمایت‌های پژوهش‌محورانه نسبت به آموزش‌های اساسی دین و معنویت و حتی مدیریت فرهنگی پژوهش‌مدار که همخوانی لازم را با آموزش‌های اعتقادی، تربیتی و رفتاری داشته باشد.

۲۴. وجود تعارض بین آموزه‌های ابلاغ شده دینی در فضاهای آموزشی با کارکردهای دینی در خانواده و جامعه یا سطوح مدیریتی و سازمانی تأثیرگذار و حتی رسانه‌های فرهنگی-تربیتی، که خود ضربه مهلکی بر آموزش‌های مثبت دینی در ذهن و ضمیر دانش‌آموختگان و تربیت‌یافتگان دینی خواهد زد و ...

۲۵. وجود پیرایه‌ها، خرافات، تحریف‌ها، انحراف‌ها و سطحی‌نگری‌ها در آموزش دینی در ساحت‌های معرفتی - معنوی و عدم توجه به بازکاوی، بازپیرایی و سامان‌دهی حوزه معرفت دینی و تفکر اسلامی یا بازشناخت مفاهیم کلیدی دین در عرصه‌های یاد شده و در نتیجه دگرگون‌سازی پنهان و گام به گام بینش اصیل اسلامی و گرایش‌های ناب دینی.

۲۶. عدم مدیریت منطقی و بالنده شک‌های سازنده، حیات‌بخش و پیش‌برنده که در نسل جوان در زمینه اعتقادات دینی حادث می‌گردد؛ در حالی استاد مطهری می‌گوید:

«شک برای بشر، درد روح است و خداوند وعده کرده برای کسانی که کوشا و صاحب درد هستند، راه حقیقت را باز کند.»<sup>۲۹</sup>

۲۷. عدم تفکیک «طبقه جوان» از «نسل جوان» که نسل متفکر، زنده، آشنای به فرهنگ و تمدن عصر و زمان است؛ زیرا ممکن است در «طبقه جوان»، نسل جوان و روشنفکر و دارای بصیرت باشد و ممکن است نباشد و با همه اهالی طبقه جوان یکسان برخورد کردن نوعی سهل‌انگاری و بلکه آفت در آموزش دین و تفکر دینی است. ناگفته نماند نسل جوان نیز محاسن و معایبی دارد؛ ولی دردی دارد که نشانه بیداری او است و باید آن درد را شناخت و جهت داد و نسل کهن نیز اگر در عرصه آموزش دینی هستند، بایسته است که خویشتن را اصلاح و پویا سازند تا رابطه منطقی بین دو نسل کهن و جوان یا قدیم و جدید برقرار گردد.<sup>۳۰</sup>

۲۸. عدم القای شناخت که گام اول رشد است به مخاطبان در آموزش‌های دینی. تا اینکه به تدریج صاحب فکر و معرفت شده و از استقلال معرفتی و اجتهاد فکری برخوردار گردند و همیشه دیگران برای آنها تصمیم نگیرند و داوری نکنند؛ بلکه در حوزه معارف دینی نیز اصول و مبادی و مبانی در اختیار آنها بوده و کلید ورود به دریای معارف دینی در اختیار آنان باشد و قدرت فهم، تحلیل و نقد و مهارت‌های لازم برای نقد و ارزیابی اندیشه‌های مختلف را داشته باشند. علاوه بر این، اگر مخاطب، منزلت و مقام خویش را در ساحت حیات و زندگی دریافت کند، به جست‌وجوی حیات معقول و زندگی سالم و سازنده اقدام می‌کند و فرهنگ اسلام ارزش‌های اسلامی و احکام اسلام را درمی‌یابد و از سرمایه عظیم معنوی یعنی اسلام، صیانت و مراقبت می‌کند تا هم از خود حقیقی نه پنداری حفاظت کند و هم از اسلام ناب مراقبت‌های علمی و عملی کند.<sup>۳۱</sup> بنابراین سیستم آموزش دینی باید از مؤلفه شناخت‌دهی، اصالت و استقلال‌بخشی به مخاطبان، همچنین مسئول و متعهد بارآوردن آنها برخوردار شود.

۲۹. عدم توجه به انسان کامل، رهبران علمی و عملی اسلام حقیقی، آنان که نگهبان حقیقی دین بودند و پیوند عقلی، عاطفی، عرفانی و همه جانبه با آن مخاطبان اصلی وحی و حجت‌های الهی که سنت و سیره آنان عین دین و دینداری است، ضمانت حیات طیبه و عامل مصونیت اصلی اندیشه و معرفت دینی است و در آموزش‌های دینی چنان‌که بایسته و شایسته

است، به صورت علمی و با زبان و ادبیات نوین نتوانستیم رابطه عقیدتی و معنوی مخاطبان را با آن انسان‌های هدایت و نور فراهم سازیم؛ زیرا آنان روح دین را که بالابرنده عقل و توسعه‌بخش فکر و قدرت تولید اندیشه و معرفت و وسیله زدودن زنگارها از آینه دل است القا و دین را مقبول عقل و محبوب دل می‌کنند و ...<sup>۳۲</sup>

## راهکارهای علمی و عملی درمان آسیب‌ها و بیماری‌ها

با آنکه به دلالت التزامی، در طرح بیست و هشت آسیب‌های آموزش دینی می‌توان راهکارهای مقابله با دردها و آفات و آسیب‌ها را استخراج و شناسایی کرد، ولی در یک دسته بندی مختصر به برخی از راهکارهای علمی و عملی در دفع و رفع آسیب‌های آموزش و تربیت دینی اشاراتی خواهیم کرد:

۱. شناخت اصول، روش‌ها، اهداف، مصالح و حکمت‌های تربیت دینی و تهیه و تنظیم تربیتی مبتنی بر اسلام ناب که برگرفته از متن کتاب و سنت باشند و روزآمدسازی و هماهنگ‌سازی مجموعه غنی معارف قرآنی - اهل‌بیتی و آموزه‌های وحیانی - ولایی با نیازهای عصری و نسلی.

۲. روح حاکم بر فرآیند آموزش و تربیت دینی را مبتنی بر عقلانیت، توسعه تفکر و اندیشه‌ورزی با هدف تولید معرفت اسلامی و تعمیق ارزش‌ها و بینش‌ها و گرایش‌های دینی قرار دهیم.

۳. تعالی معرفتی و تعادل معنویتی - رفتاری را دلمایه تربیت دینی قرار داده تا بر محورهای سه‌گانه: تزکیه عقل، تزکیه نفس و تضمین نفس، سلوک عقلی و قلبی جامع اسلامی تحقق و تبلور یابد.

۴. اسلام را به صورت جامع، جاودانه و جهانی در همه ابعاد انسانی تعلیم دادن و سپس فکر جامع، جهانی و جاودانه اسلامی ایجاد کردن.

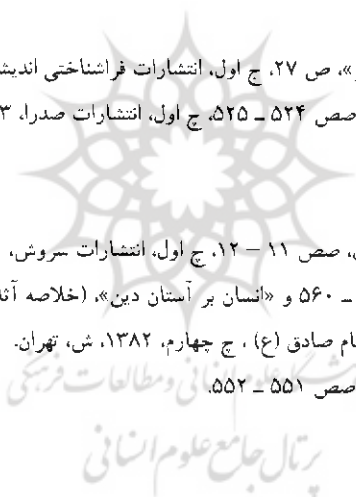
۵. به مخاطبان در عرصه طرح سؤال، شبهه، شک سازنده، ارائه فهم و نظریه منطقی، میدان دادن تا سرمایه‌های نهفته و دغدغه‌های پنهان و گرایش‌های نامرئی مخاطبان ظهور یافته و درست و منطقی تعدیل، هدایت و مدیریت گردد.

۶. پرورش روح شناخت، عقلانیت و عبودیت در مخاطبان.
۷. ایجاد پیوند آگاهانه و آزادانه و عارفانه و عاشقانه تشنگان وادی معرفت و محبت و کمال، با انسان‌های کامل و حجت‌های بانگه الهی.
۸. رشد هماهنگ و متوازن استعدادهای عقلانی، عاطفی، معنوی، اخلاقی و اجتماعی در نسل جوان جامعه.
۹. آشناسازی مخاطبان با زبان دین و کارآمدی آن به صورت واقع‌گرایانه و حقیقت‌جویانه.
۱۰. از بین بردن تدریجی تناقض آرمان‌ها و واقعیات در متن جامعه.
۱۱. بالا بردن روح علمی و روحیه مشارکت‌پذیری در فهم و معرفت دینی.
۱۲. تقدم‌بخشی معلومات بر محفوظات و غنی‌سازی بعد معقولات و معتقدات دینی.
۱۳. سازگار ساختن شیوه‌های آموزش با اصول و روش‌های نوین آموزشی و روان‌شناختی اسلامی و بهره‌گیری از تکنولوژی پیشرفته تعلیم و تربیت که به عقل و تجربه بشری تکیه دارد.
۱۴. ارائه و ابلاغ و القای اسلام اصیل با منطق و برهان و معارف تجریدی و تجربی و البته با زبان نوپدید و کارآمد در همه ابعاد عقیدتی، اخلاقی - معنوی و احکامی - فقهی.

### پی‌نوشت‌ها

- ۱ شریعتمداری، علی: «رسالت تربیتی و علمی مراکز آموزشی»، صص ۸۴-۸۵ ج اول، انتشارات سمت، ۱۳۷۴ ش. تهران.
- ۲ همان: «پرورش تفکر»، ص ۱۳، ج اول، انتشارات فراشناختی اندیشه، ۱۳۸۲ ش. تهران.
- ۳ داوودی، محمد: «محمد، سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)»، ج ۲، تربیت دینی، ص ۲۷، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ج دوم، ۱۳۸۴، ش. قم.
- ۴ مطهری، مرتضی: «م. آ»، ج ۲۲، ص ۵۵۹.
- ۵ انبیاء / ۶۴.
- ۶ نهج‌البلاغه، خ اول.
- ۷ مطهری، مرتضی: «حکمت‌ها و اندرزها»، ج ۲، ص ۳۷، ج اول، انتشارات صدرا، سال ۱۳۸۵، ش. تهران.
- ۸ مطهری، همان، ج ۴، صص ۹۶۰-۹۶۱، ج ۲۱، صص ۴۸۴-۴۸۵، ج ۲۳، صص ۱۸۴-۱۸۶.

- ۹ حکمت‌ها و اندرزها، ج ۲، ص ۳۷.
۱۰. شریعتمداری، علی: «تعلیم و تربیت اسلامی»، صص ۷۰ - ۷۱، ج اول، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۵، ش، تهران.
۱۱. همان: «رسالت تربیتی و علمی مراکز آموزشی»، ج اول، ص ۸۹، سازمان مطالعات و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، ۱۳۷۴، ش، تهران.
۱۲. یوسف / ۱۰۸.
۱۳. آل عمران / ۶۵، انعام / ۳۲، اعراف / ۱۶۹، یونس / ۱۶، هود / ۵۱ و ...
۱۴. آل عمران / ۱۱۸.
۱۵. رک: «پیام قرآن»، ج ۱، صص ۱۵۰ - ۱۵۶، ناصر مکارم شیرازی و همکاران، ج هشتم، دارالکتب اسلامی، ۱۳۸۴، ش، تهران.
۱۶. شریعتمداری، علی: «پرورش تفکر»، ص ۲۷، ج اول، انتشارات قرآنی‌ساختی اندیشه، ۱۳۸۲، ش، تهران.
۱۷. مطهری، مرتضی: «م. آ»، ج ۲۲، صص ۵۲۴ - ۵۲۵، ج اول، انتشارات صدرا، ۱۳۸۳، ش، تهران.
۱۸. همان، ص ۷۲.
۱۹. انشقاق / ۶.
۲۰. شجاعی، محمد: «مقالات»، ج اول، صص ۱۱ - ۱۲، ج اول، انتشارات سروش، ۱۳۸۵، ش، تهران.
۲۱. رک: «م. آ»، ج ۲۲، صص ۵۵۹ - ۵۶۰ و «انسان بر آستان دین»، (خلاصه آثار استاد مطهری)، دفتر سوم، صص ۳۴ - ۳۵، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ج چهارم، ۱۳۸۲، ش، تهران.
۲۲. مطهری، مرتضی: «م. آ»، ج ۲۲، صص ۵۵۱ - ۵۵۲، ج اول، انتشارات صدرا، ۱۳۸۳، ش، تهران.
۲۳. کافی، ج ۲، ص ۵۵.
۲۴. بحار، ج ۱، ص ۲۰۶.
۲۵. جمعه / ۲.
۲۶. ر. ک: «م. آ»، ج ۲۲، صص ۵۳۰ - ۵۵۰: «حکمت‌ها و اندرزها»، ج ۱، صص ۱۵۵ - ۱۶۳: «دو گفتار»، صص ۱۸ - ۳۰.
۲۷. نهج البلاغه، حکمت ۲۳۷: اصول کافی، ج ۲، ص ۸۳: بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۱۸۶ و ...
۲۸. مطهری: «انسان کامل»، صص ۳۷ - ۴۴ (با تصرف) و «م. آ»، ج ۲۳، صص ۱۱۰ - ۱۱۴، ج اول، ۱۳۸۳، ش، تهران.



۲۹. «صد گفتار» (خلاصه آثار استاد شهید مطهری) دفتر اول، ص ۲۳۰، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، چ پنجم، ۱۳۸۲ ش، تهران.
۳۰. ر. ک: مطهری، «ده گفتار»، صص ۲۱۲ - ۲۲۲، ۲۲۸ - ۲۶۰؛ «حکمت‌ها و اندرزها»، ج ۱، صص ۲۴۵ - ۲۳۵؛ «امدادهای غیبی در زندگی بشر»، صص ۱۱۷ - ۱۲۵ و ...
۳۱. در این زمینه ر. ک: مطهری، «امدادهای غیبی در زندگی بشر»، صص ۱۲۷ - ۱۴۵.
۳۲. ر. ک: مطهری، «حکمت‌ها و اندرزها»، ج ۲، صص ۱۰۲ - ۹۷.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی